

با ارزش ترین بودی!

همه ما می‌دونیم که شغل هر پدر و مادری خیلی توی زندگی بچه‌اش اثر می‌گذاره. چون یه پدر یا مادر شاغل، بخش زیادی از زمانش رو با کارش سپری می‌کنه. امیر ارسلان و طه، می‌گن با اینکه همیشه به مامان پرستارشون افتخار می‌کنن، این مدت که کرونا اومده بود، خیلی بهشون سخت گذشته. از حال و هوا و زندگی بچه‌هایی که پدر و مادرشون پرستارن چقدر می‌دونید؟



قبل از کرونا یا بعدش؟

هیشکی نمی‌تونه انکار کنه که کرونا چقدر زندگی همه رو تغییر داده؛ اما پرستارها و خانواده‌هاشون خیلی روزای عجیبی رو گذروندن. وقتی از طه می‌پرسم که داشتن مامان پرستار چطوره؟ با شیطنت می‌گه قبل کرونا یا بعدش؟ و ادامه می‌ده: «قبل چیز زیادی از شغل مامان مریم نمدونستم؛ یعنی مامانم رو یه خانمی می‌دیدم که سرکار می‌ره و کنارش باید حواسش به من هم باشه و کارای خونه رو هم انجام بده. تنها سختیش که به چشم من و بابا میومد، همون شیفت‌های شب بود که تازه خیلی وقتا به خاطر شرایط مامان که بچه داشت این شیفتا فقط صبح بود. منم وقتی مامانم توی او روپوشای سفید می‌دیدم کلی کیف می‌کردم. هر سال هم روز پرستار، همه فامیل بهش تبریک می‌گفتن و ما ذوق می‌کردیم که مامان یه کارمند معمولی نیست و به قول مامان بزرگم یه شغل مهربون داره! اما بعد کرونا یهو همه چی تغییر کرد.

ممنوعیت بغل کردن مامان!

بعد از کرونا، رفتار فامیل با من و مامان مریم و بابا تغییر کرد. خب درسته که مامان توی بخش عفونی کار می‌کرد و اونا هم حق داشتن نگران واگیری کرونا باشن. ولی راستش این ترسشون رو زیادی به ما نشون



می‌دادن و این برای ما سه تا، ناراحت کننده بود. از این سخت تر، «ممنوعیت بغل کردن مامان» بود که واقعا خیلی جدی رعایت می‌شد و برای من سخت‌ترین چیزیه که از کرونا توی ذهنم می‌مونه. یه بار مامانم اوایل کرونا بعد از چهار روز شیفت اومد خونه و مثل همیشه خواستم بغلش کنم که اجازه نداد و من اون موقع فهمیدم که اوضاع برای بچه‌هایی که پدر و مادر پرستار دارن خیلی فرق می‌کنه.»

برای یه پرستار تو دوران کرونا، چی از همه سخت تر بود؟ خانم کریمی، مامان امیر ارسلان که پرستار بخش عفونی بیمارستان لقمانه می‌گه: «برای بچه‌های ما خیلی سخت شد؛ اونا نبود پدر و مادر، خستگی، استرس و البته پدیده‌ای به نام «مدرسه برخط» رو با هم تجربه کردن.»

مامانم کرونای سختی گرفت

بعد از صحبت‌های مامان، امیر ارسلان که تازه از فوتبال برگشته تلفن رو از مامانش می‌گیره و می‌گه: «من فکر می‌کنم بعد از کرونا بچه‌هایی که پدر یا مادرشون پرستارن، دیگه آدمای قبل نیستن. مثلا یکیش خود

مدرسه برخط، بدون مامان

حرف‌های طه رو میشنوم و دلم میخواد از مامان امیر ارسلان که پرستاره بی‌رسم



از لباس پرستاری بخش کرونا چی میدونید؟

این لباس که بهش «گان» میگن ساختار پلاستیکی داره و همراه با عینک و پوشش ماسک استفاده میشه. در انتهای آستین و پاچه این لباس کار ایزوله، کش قرار داره و کلاه اون هم بیشتر بخش‌های صورت رو میپوشونه. شما حاضرید امتحانش کنید؟!

اگه میخوای پرستار بشی بخون

پرستاری یکی از رشته‌هایی هست که بیشترین ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها رو داره. طول دوره تحصیلش نسبت به دکتری عمومی که ۷ ساله است، کوتاه‌تره که این می‌تونه یه مزیت برای ورود سریع‌تر به بازار کار باشه. هرچند سقف درآمد پرستاری معمولاً کمتر از رشته‌های دکتری عمومی است.

پرستاری هم مثل پزشکی شیفت شب و شیفت‌های اجباری داره اما شیفت‌هاش به اندازه پزشکی از نظر زمانی طولانی نیست و کوتاه‌تره. خلاصه که قبل از هر تصمیمی، باید سبک سنگین کنید و ببینید آیا برای این رشته مناسب هستید و روحیه‌اش رو دارید یا نه؟

من! هیچوقت فکر نمی‌کردم

وقتی مامانم کرونای سختی گرفت و حاضر نشد هیچکس ازش پرستاری کنه پتونم پرستار خوبی برایش باشم و ازش مراقبت کنم. یا مثلاً وقتی کسی اومد خونمون بتونم بهش بگم، مامان من پرستاره اگه می‌ترسید که مریض شید از فردا نیاید!!!

میون صحبت‌های امیرارسلان، یاد حرف عجیب طه می‌افتم که می‌گفت: «کاش حداقل لباساشون انقدر سخت و گرم نبود. چون من خیلی وقته صورت مامان مریم رو بدون رد ماسک و جوش‌های که به این خاطر رو صورتشون میزنه، ندیدم.»

مامان می‌گوید خدا را شکر کن که بزرگ شدی

طه می‌گه: «خانم ما یه چیزی بگیم؟ هر بار که مامان میاد و می‌گه بیمارستانشون خلوت شده و انگار اوضاع آرومه، من و بابا کلی خوشحال می‌شیم. چون فکر می‌کنیم شرایط برمیگرده به قبل کرونا. ولی چند وقت بعد دوباره همون جمله تکراری که «باز مراجعه مریض‌های کرونایی زیاد شد»، تو خونه ما تکرار می‌شه! تازه من الان دوازده سالمه و مامان میگه خدا رو شکر کن که بزرگی شدی، چون همکاراش با بچه‌های کوچیک خیلی سختی کشیدن. مثلاً یکی از همکاران مامان که بچه دو ساله هم داشت، کرونا گرفت و جوشش رو از دست داد و این خبر تا مدت‌ها من رو اذیت می‌کرد. این که هر روز فکر می‌کردم از کجا معلوم این اتفاق برای مامان من نیفته. البته بعد که مامانم واکسن زد، خیالم راحت شد.»

